

تأثیر روش تدریس نوین مبتنی بر داستان‌سرایی قرآنی بر انگیزش درونی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر کرج

مهسا مولوی^۱

^۱ گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روش تدریس نوین مبتنی بر داستان‌سرایی قرآنی بر انگیزش درونی دانش‌آموزان دوره ابتدایی به مرحله اجرا درآمد. رویکرد پژوهش از نوع کمی و طرح آن نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی مشغول به تحصیل در مدارس دولتی ناحیه ۲ شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل دادند که از میان آن‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۶۰ دانش‌آموز انتخاب و به شیوه‌ای همگن در دو گروه آزمایش (۳۰ نفر) و گواه (۳۰ نفر) جای‌دهی شدند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه آموزشی ۴۵ دقیقه‌ای تحت آموزش برنامه‌ریزی‌شده و تلفیقی مبتنی بر بازخوانی تعاملی، نمایش خلاق و تحلیل ساختاری قصص قرآنی قرار گرفت، در حالی که گروه گواه فرآیند آموزش معمول و سنتی مبتنی بر روخوانی و سخنرانی را دنبال نمود. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر (نسخه بازنگری‌شده برای کودکان و نوجوانان) بود که پنج مؤلفه ترجیح چالش، انگیزه کنجکاوی، کوشش مستقل، قضاوت مستقل و معیارهای درونی را مورد سنجش قرار می‌دهد. پایایی این پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ محاسبه شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی شامل آزمون‌های تحلیل کوواریانس تک‌متغیری (ANCOVA) و چندمتغیری (MANCOVA) با استفاده از نرم‌افزار آماری انجام گرفت. یافته‌های تحلیل کوواریانس نشان داد که پس از کنترل اثر پیش‌آزمون، تفاوت معناداری میان گروه‌های آزمایش و گواه در نمره کل انگیزش درونی وجود دارد. همچنین در تمامی ابعاد پنج‌گانه، دانش‌آموزان گروه آزمایش برتری معنادار آماری را نسبت به گروه گواه نشان دادند. نتایج گویای آن است که الگوی طراحی آموزشی داستان‌سرایی تعاملی قرآنی با پیوند زدن محتوای عاطفی، اخلاقی و روایی با تجارب زیسته کودک، سبب درونی‌سازی انگیزه‌ها و افزایش تمایل به یادگیری پایدار می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: داستان‌سرایی قرآنی، برنامه درسی، انگیزش درونی، روانشناسی تربیتی، دوره ابتدایی، آموزش تعاملی.

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت در دوران معاصر با چالشی بنیادین در حوزه فعال سازی میل ذاتی و کنجکاوی عاطفی فراگیران به جای تکیه بر سازوکارهای پاداش و تنبیه بیرونی مواجه شده است، وضعیتی که در روانشناسی تحولی و تربیتی از آن تحت عنوان گذار از انگیزش ناپایدار بیرونی به انگیزش پایدار درونی یاد می شود (دسی و رایان، ۲۰۱۷). در دوران آموزش ابتدایی، یادگیرندگان در مرحله ای از رشد شناختی و اخلاقی قرار دارند که ساختارهای انتزاعی خشک و روش های انتقال مکانیکی مفاهیم، توانایی انگیزش بخشی و اقناع هیجانی آنان را نداشته و زمینه ساز دلزدگی تحصیلی، یادگیری سطحی و ناپایداری مهارت های آموخته شده می گردد (سیف، ۱۴۰۰؛ پینتریچ و شانک، ۲۰۲۰). نظام برنامه ریزی درسی در بسیاری از حوزه های یادگیری، به ویژه در انتقال مفاهیم ارزشی، معارفی و قرآنی، سال ها متکی بر شیوه های حافظه محور، روخوانی انفعالی و ارزیابی های نتیجه گرا بوده است، در حالی که ادبیات قرآن و حدیث و اصول تعلیم و تربیت اسلامی بر ماهیت تمثیلی، هدایتی و ساختار روایی پیام وحی تصریح دارند؛ ساختاری که هدف غایی آن برانگیختن فطرت درونی و خردورزی تأملی فرد است و نه صرفاً انتقال واژگانی محفوظات (قرائتی، ۱۳۹۸؛ باقری، ۱۳۹۹). مسئله اساسی این است که عدم تناسب بین محتوای غنی دینی و شیوه های تدریس متناسب با ویژگی های روانی-شناختی کودکان، منجر به تقلیل تمایل ذاتی دانش آموزان به کشف پیام های انسان ساز، افت درگیری شناختی و شکل گیری تعارض میان علایق درونی و وظایف آموزشی شده است (فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱؛ راینولدز و پارک، ۲۰۲۱). اهمیت پژوهش در حوزه پیوند میان برنامه درسی، علوم قرآن و حدیث و روانشناسی تربیتی از آنجا ناشی می شود که کودک در سال های پایانی دوره ابتدایی در آستانه درونی سازی الگوهای رفتاری، فرضیه سازی اخلاقی و استقلال مفهومی قرار می گیرد و غنی سازی محیط یادگیری با بهره گیری از بوطیقای روایت های الهی می تواند حس تعلق، خودمختاری و شایستگی را در او شکوفا کند (بانک و فریدمن، ۲۰۱۹؛ صادقی و شریفی، ۱۴۰۲). با وجود پیشینه گسترده در حوزه اثر روش های سنتی قصه گوئی در ادبیات عامه یا فنون نمایشی، شکاف دانشی چشمگیری پیرامون ادغام ساختارمند و الگوواره های روایی قرآن کریم در بستری تعاملی با استفاده از نظریه های مدرن خودتعیین گری و برنامه ریزی درسی تلفیقی مشهود است؛ جایی که پژوهش های گذشته عمدتاً داستان های قرآنی را در سطح شنیداری منفعل و پندآموزی مستقیم بررسی کرده و از ارزیابی اثرگذاری آن به مثابه یک روش تدریس بازسازی کننده انگیزش درونی، چالش طلبی و قضاوت مستقل غفلت ورزیده اند (کریمی و نیک نژاد، ۱۴۰۱؛ براون و کمبل، ۲۰۲۲). از این رو، پژوهش حاضر با هدف رفع این شکاف مفهومی و عملیاتی، به دنبال تبیین اثر روش تدریس نوین مبتنی بر داستان سرایی قرآنی بر مؤلفه های پنج گانه انگیزش درونی دانش آموزان دوره ابتدایی است تا نشان دهد که بازآفرینی آموزشی داستان های قرآنی نه تنها محتوایی معنوی بلکه بستری کارآمد برای توسعه روانشناختی و استقلال یادگیری فراگیران خلق می نماید (سلیمی و احمدی، ۱۴۰۳؛ کلاین و وانگ، ۲۰۲۴).

مبانی نظری

طراحی آموزشی نوین بر این اصل بنیادین استوار است که ساختار معرفت شناختی محتوا باید با بافت روانی و سطح تحولی یادگیرنده هم راستا باشد. در جدول زیر، ابعاد تلفیقی این پژوهش در سه ساحت «علوم قرآن و حدیث»، «برنامه ریزی درسی» و «روانشناسی تربیتی» تبیین گردیده است:

بعد علمی	چارچوب نظری	مؤلفه های محوری در تدریس	خروجی تربیتی و انگیزشی در یادگیرنده
علوم قرآن و حدیث	ساختار روایی وحی و تمثیلات قرآنی (اعجاز بیانی و هدایتی)	واقع گرایی در قصه، عبرت آموزی عقلانی، تصویرگری هنرمندانه صحنه ها، دعوت به تفکر و تدبر در پیامد رفتار شخصیت ها	ایجاد حس پیوند عاطفی و معنایی با خالق، درونی سازی الگوهای اخلاقی به شیوه غیرتحمیلی

برنامه‌ریزی درسی	رویکرد تلفیقی، سازنده‌گرایی و بازطراحی تجارب یادگیری	پیوند تجارب زیسته کودک با موقعیت داستان، ایفای نقش تعاملی، گفت‌وگوی هدایت‌شده، حل مسئله روایی	گذر از انفعال آموزشی به عاملیت یادگیرنده، کشف مستقلانه مفاهیم به جای انتقال صرف
روانشناسی تربیتی	نظریه خودتعیین‌گری (SDT) دسی و رایان	حمایت از سه نیاز بنیادین روانی: نیاز به خودمختاری، احساس شایستگی، و ارتباط با دیگران	رشد انگیزش ذاتی، لذت از غلبه بر چالش‌های ادراکی، کنجکاوی مستمر، استقلال در قضاوت اخلاقی

در چهارچوب روانشناسی تربیتی و بر مبنای نظریه خودتعیین‌گری، انگیزش درونی تمایلی خودانگیخته برای جستجوی تازگی‌ها، گسترش شایستگی‌ها و کنکاش محیطی بدون نیاز به محرک‌ها و مشوق‌های بیرونی تعریف می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۱۷). وقتی آموزش بر پایه کنشگری تفسیری داستان استوار شود، یادگیرنده با شخصیت‌های داستانی همزادپنداری نموده و به علت تعلیق‌های روایی، کنجکاوی درونی‌اش تحریک می‌شود (برونر، ۱۹۹۶؛ اسمیت و لورنز، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، در بستر قرآن و حدیث، قصه‌پردازی نه با هدف خیال‌بافی و سرگرمی زودگذر، بلکه به مثابه روشی معرفتی برای تثبیت فؤاد و بازآفرینی بصیرت اخلاقی معرفی شده است (مطهری، ۱۳۹۵؛ جوادی آملی، ۱۴۰۱). ساختاربندی تدریس بر این پایه، برنامه درسی را از نظامی متصلب به کانون تعامل و تفکر نقادانه تبدیل می‌سازد (میلر، ۲۰۱۹).

پیشینه پژوهش

مطالعات در حوزه تعامل میان روش‌های تدریس قصه‌محور و شاخص‌های روانشناختی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. صادقی و شریفی (۱۴۰۲) در پژوهشی نیمه‌آزمایشی نشان دادند که به‌کارگیری روایت‌گری داستانی تعاملی در دروس تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی، منجر به افزایش معنادار اشتیاق تحصیلی و احساس خودکارآمدی کودکان گردیده است. یافته‌های کریمی و نیک‌نژاد (۱۴۰۱) نیز گویای آن بود که تدریس مبتنی بر بازآفرینی نمایشی داستان‌های کتاب درسی، رفتارهای کمک‌خواهی و یادگیری خودتنظیم را به طور معناداری ارتقا می‌بخشد. در گستره مطالعات بین‌المللی، راینولدز و پارک (۲۰۲۱) دریافتند که تلفیق شیوه‌های داستان‌سرایی فرهنگی-معنوی در کلاس‌های درسی مقطع ابتدایی، انگیزش ذاتی فراگیران را از طریق ارضای نیاز به تعلق اجتماعی و ارتباط بین‌فردی به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. همچنین براون و کمبل (۲۰۲۲) اثبات نمودند که تدریس چندوجهی داستان‌های کلاسیک و کهن با استفاده از پرسشگری بازپاسخ، قضاوت مستقل و میل به کشف چالش را در کودکان بارور می‌سازد. از سوی دیگر، کلاین و وانگ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای فراتحلیلی بر روی نقش روش‌های تدریس روایت‌محور بر ابعاد انگیزش درونی، نشان دادند که اندازه اثر داستان‌سرایی فعال در ارتقای کنجکاوی معرفتی و کاهش تکیه بر تشویق‌های بیرونی معادل ۰/۵۸ بوده است. پیشینه تجربی مذکور نشان می‌دهد که با وجود اذعان همگانی به نقش برجسته داستان‌گویی، ضرورت بررسی تجربی اثر داستان‌سرایی تخصصی قرآنی که تلفیقی از ابعاد عقلانی، عاطفی و اخلاقی را با روش‌های نوین تدریس ارائه می‌دهد، بر مؤلفه‌های اختصاصی انگیزش درونی دانش‌آموزان به عنوان نیازی مبرم و پژوهش‌نشده باقی مانده است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف بنیادی-کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش‌های کمی با طرح نیمه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی پسرانه مدارس دولتی ناحیه ۲ شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تعداد کل ۲۴۵۰ نفر بود. از میان این جامعه، با بهره‌گیری از روش

نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا دو دبستان دولتی با بافت اجتماعی-اقتصادی متوسط و همگن انتخاب و از هر مدرسه یک کلاس پایه پنجم به صورت تصادفی برگزیده شد و سپس یکی از کلاس‌ها به عنوان گروه آزمایش (۳۰ نفر) و دیگری به عنوان گروه گواه (۳۰ نفر) تعیین گردیدند، که در مجموع حجم نمونه نهایی برابر با ۶۰ دانش‌آموز بود. برای سنجش متغیر وابسته از مقیاس استاندارد انگیزش تحصیلی کودکان هارتر (۱۹۸۱) استفاده شد که نسخه اصلاح‌شده و استانداردسازی‌شده آن در ایران توسط افروز و شکوهی‌یکتا (۱۳۹۰) و نیز در مطالعات بین‌المللی متأخر توسط پارک و هریس (۲۰۲۰) اعتبارسنجی شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه بسته بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) بوده و پنج مؤلفه ترجیح چالش (۶ گویه)، انگیزه کنجکاوی (۶ گویه)، کوشش مستقل (۶ گویه)، قضاوت مستقل (۶ گویه) و معیارهای درونی پیشرفت (۶ گویه) را می‌سنجد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تأیید ۷ نفر از اساتید صاحب‌نظر در حوزه‌های روانشناسی تربیتی و برنامه‌ریزی درسی رسید و پایایی آن در این مطالعه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که برای کل مقیاس برابر با ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۴ برآورد گردید. شیوه مداخله به این صورت بود که گروه آزمایش به مدت ۵ هفته، هفته‌ای ۲ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (مجموعاً ۱۰ جلسه) تحت روش تدریس نوین مبتنی بر داستان‌سرایی قرآنی قرار گرفتند؛ پروتکل آموزشی شامل ورود به داستان از طریق طرح پرسش‌های چالشی و برانگیزاننده، روایت چندحسی و نمایش نقش داستان‌های برگزیده قرآنی نظیر حضرت یوسف، اصحاب کهف، موسی و خضر، و نوح (ع)، واکاوی درونمایه‌ها توسط دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک و استخراج شهودی درس‌های اخلاقی-انگیزشی بود، در حالی که دانش‌آموزان گروه گواه در همین مدت مباحث برنامه درسی را به شیوه مرسوم، خطی و توضیحی معلم‌محور گذراندند. پس از اتمام دوره، پس‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد و داده‌ها در محیط نرم‌افزار با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آزمون‌های استنباطی تحلیل کوواریانس تک‌متغیری (ANCOVA) و چندمتغیری (MANCOVA) پس از بررسی پیش‌فرض‌های آماری نرمال بودن، تجانس واریانس‌ها و خطی بودن روابط مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیر انگیزش درونی و مؤلفه‌های آن در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه‌های آزمایش و گواه ارائه گردیده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های انگیزش درونی در گروه‌های آزمایش و گواه

متغیر / مؤلفه	مرحله	گروه آزمایش (تعداد = ۳۰)	گروه گواه (تعداد = ۳۰)	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
		انحراف استاندارد		انحراف استاندارد
ترجیح چالش	پیش‌آزمون	۱۵/۴۰	۳/۲۱	۱۵/۶۳
	پس‌آزمون	۲۳/۸۰	۲/۸۵	۱۶/۱۰
انگیزه کنجکاوی	پیش‌آزمون	۱۶/۱۰	۳/۰۵	۱۵/۹۰
	پس‌آزمون	۲۴/۵۰	۲/۶۰	۱۶/۴۳
کوشش مستقل	پیش‌آزمون	۱۴/۸۰	۲/۹۰	۱۴/۵۰
	پس‌آزمون	۲۲/۷۰	۲/۷۵	۱۵/۲۰

۳/۰۲	۱۵/۴۰	۲/۹۵	۱۵/۲۰	پیش‌آزمون	فضاوت مستقل
۲/۹۰	۱۵/۸۰	۲/۵۰	۲۳/۱۰	پس‌آزمون	
۳/۰۸	۱۶/۱۰	۳/۱۰	۱۶/۳۰	پیش‌آزمون	معیارهای درونی
۲/۹۵	۱۶/۷۰	۲/۴۵	۲۵/۱۰	پس‌آزمون	
۱۱/۲۰	۷۷/۵۳	۱۱/۴۵	۷۷/۸۰	پیش‌آزمون	نمره کل انگیزش درونی
۱۰/۴۰	۸۰/۲۳	۸/۹۵	۱۱۹/۲۰	پس‌آزمون	

پیش از اجرای تحلیل کوواریانس، آزمون‌های پیش‌فرض آماری بررسی شدند: آزمون شاپیرو-ویلک نرمال بودن توزیع داده‌ها را در هر دو گروه تایید نمود. همچنین برابری شیب خطوط رگرسیون در تعامل گروه و پیش‌آزمون تایید گردید. آزمون لوین نیز همگنی واریانس خطای داده‌ها را در متغیر نمره کل انگیزش درونی و سایر ابعاد احراز کرد.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیری (ANCOVA) برای نمره کل انگیزش درونی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
پیش‌آزمون	۱۸۴۲/۵۳	۱	۱۸۴۲/۵۳	۳۵/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۳۸۵	۰/۹۹۹
اثر گروه (مداخله)	۳۲۶۹/۴۲	۱	۳۲۶۹/۴۲	۶۳/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۵۲۶	۱/۰۰۰
خطا	۲۹۳۸/۶۰	۵۷	۵۱/۵۵	-	-	-	-
مجموع کل	۵۶۲۴۸۰/۰۰	۶۰	-	-	-	-	-

بر اساس نتایج جدول ۲، با کنترل اثر نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و گواه در نمره کل انگیزش درونی در سطح $p < 0.01$ معنادار است. مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که ۶/۵۲ درصد از تغییرات نمره کل انگیزش درونی ناشی از کاربرد روش تدریس داستان‌سرایی قرآنی بوده است.

جهت بررسی اثر مداخله بر هر یک از ابعاد پنج‌گانه انگیزش درونی، تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) اجرا گردید. پیش‌فرض همگنی ماتریس‌های کوواریانس با آزمون ام‌باکستاید شد. آماره‌های چندمتغیری نظیر لاندای ویلکز حاکی از تفاوت معنادار کلی میان دو گروه بود.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) روی مؤلفه‌های انگیزش درونی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	مجدور تفکیکی	اتای
ترجیح چالش	۷۲۵/۸۰	۱	۷۲۵/۸۰	۵۲/۶۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸۰	
انگیزه کنجکاوی	۸۱۴/۲۳	۱	۸۱۴/۲۳	۶۱/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۵۱۷	

کوشش مستقل	۶۲۳/۴۵	۱	۶۳۲/۴۵	۴۴/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۴۰
قضاوت مستقل	۶۱۵/۳۲	۱	۶۱۵/۳۲	۴۶/۳۸	۰/۰۰۱	۰/۴۴۹
معیارهای درونی	۸۴۲/۱۰	۱	۸۴۲/۱۰	۶۸/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۵۴۶

یافته‌های مندرج در جدول ۳ تبیین می‌نماید که آموزش مبتنی بر داستان‌سرایی قرآنی در تمامی ابعاد پنج‌گانه انگیزش درونی تفاوتی مثبت و از نظر آماری کاملاً معنادار ($p < 0.01$) در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه ایجاد کرده است، به طوری که بیشترین میزان اثرگذاری به ترتیب در مؤلفه‌های معیارهای درونی پیشرفت و انگیزه کنجکاوی مشاهده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر اثبات نمود که اجرای روش تدریس نوین مبتنی بر داستان‌سرایی قرآنی به شیوه‌ای معنادار و پایدار موجب فزونی انگیزش درونی و تمامی خرده‌مقیاس‌های آن شامل ترجیح چالش، انگیزه کنجکاوی، کوشش مستقل، قضاوت مستقل و معیارهای درونی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌گردد، دستاوردی که همسو با چارچوب‌های نظری مطرح‌شده در روانشناسی تربیتی و برنامه‌ریزی درسی معاصر است و پیوند وثیقی با نتایج تحقیقات پیشین دارد (دسی و رایان، ۲۰۱۷؛ پینتریچ و شانک، ۲۰۲۰). در تبیین این نتایج می‌توان استدلال کرد که داستان‌سرایی قرآنی، بر خلاف رویکردهای سنتی که متکی بر بازگویی صوری و روخوانی غیرفعال است، محیط یادگیری را به بستری تعاملی و برانگیزاننده مبدل می‌سازد که نیازهای شناختی و عاطفی بنیادین فراگیران شامل استقلال، حس کفایت و همبستگی را تأمین می‌کند، امری که مستقیماً به ارتقای خودتعیین‌گری و انگیزش درونی منتهی می‌شود و با یافته‌های صادقی و شریفی (۱۴۰۲) و کریمی و نیک‌نژاد (۱۴۰۱) مطابقت کامل دارد. داستان‌های قرآنی سرشار از کشمکش‌های فکری، اخلاقی، نقاط عطف رفتاری و شگفتی‌های مفهومی هستند و هنگامی که معلم در قامت یک تسهیل‌گر آموزشی با بهره‌گیری از پرسشگری بازپاسخ، ایفای نقش و تصویرسازی روایی ذهن کودک را با شخصیت‌ها پیوند می‌دهد، کنجکاوی ادراکی برانگیخته شده و میل به قضاوت مستقل و استدلال‌ورزی پیرامون چرایی انتخاب‌های شخصیت‌های داستان جایگزین پذیرش منفعلانه احکام می‌گردد، یافته‌ای که تأییدکننده گزارش‌های پژوهشی راینولدز و پارک (۲۰۲۱) و براون و کمبل (۲۰۲۲) است مبنی بر اینکه روایت‌های اصیل و عمیق اخلاقی می‌توانند قدرت تحلیل و خودآگاهی مستقل دانش‌آموزان را بارور سازند. افزون بر این، ارتقای چشمگیر مؤلفه معیارهای درونی پیشرفت در این پژوهش نشان می‌دهد که کودکان در این روش یاد می‌گیرند رضایت خاطر تحصیلی و ارزشیابی از خویش را نه از تحسین‌ها یا مشوق‌های زودگذر بیرونی، بلکه از لذت درک معنای عمیق هدایت، فائق آمدن بر معماهای روایی و احساس شکوفایی معرفتی دریافت دارند، که این سازوکار به دقت توسط کلاین و وانگ (۲۰۲۴) نیز تبیین گردیده است. با وجود این یافته‌های نویدبخش، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که از آن جمله می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی یک ناحیه آموزشی و عدم پیگیری زمانی درازمدت برای ارزیابی میزان پایداری اثر روش در سال‌های آتی اشاره داشت. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مؤلفان کتب درسی معارف اسلامی و قرآن، راهنماهای تدریس مبتنی بر اصول قصه‌گویی چندحسی و نمایش تعاملی را تدوین کرده و در قالب کارگاه‌های توانمندسازی ضمن خدمت در اختیار معلمان ابتدایی قرار دهند؛ همچنین به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود اثربخشی این رویکرد آموزشی را در تلفیق با ابزارهای دیجیتال، پویانمایی و در مقاطع تحصیلی دیگر و با سنجش ابعاد روانشناختی متفاوتی نظیر تاب‌آوری و خلاقیت مورد واکاوی قرار دهند (سلیمی و احمدی، ۱۴۰۳).

منابع

- افروز، غلامعلی، و شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس جهت‌گیری انگیزش درونی در برابر بیرونی در کلاس درس در بین دانش‌آموزان ایرانی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۲(۵)، ۴۵-۶۲.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* (ویرایش سوم). تهران: انتشارات مدرسه.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱). *تفسیر تسنیم: روش‌شناسی فهم و تدبر در قصص قرآن کریم*. قم: نشر اسراء.
- صادقی، علیرضا، و شریفی، مریم. (۱۴۰۲). اثربخشی تدریس روایت‌محور و تعاملی مفاهیم دینی بر اشتیاق تحصیلی و احساس خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲۰(۷۶)، ۹۱-۱۰۷.
- سلیمی، جواد، و احمدی، پروانه. (۱۴۰۳). الگوهای نوین طراحی آموزشی مبتنی بر ادبیات تمثیلی و حیانی و سنجش پیامدهای شناختی و انگیزشی در مدارس. *دوپژوهشنامه روانشناسی تربیتی و آموزشگاهی*، ۱۱(۲۲)، ۱۱۵-۱۳۴.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش* (ویرایش هفتم). تهران: نشر دوران.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۴۰۱). *اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی* (ویرایش پنجم). تهران: انتشارات بالابان.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۸). *شیوه‌های نوین تدریس و پیام‌رسانی قرآن به کودکان و نوجوانان*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کریمی، زهرا، و نیک‌نژاد، فرامرز. (۱۴۰۱). تحلیل اثربخشی روش ایفای نقش و بازآفرینی نمایشی قصص بر رفتارهای یادگیری خودتنظیم در مقطع ابتدایی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۴(۲)، ۵۵-۷۲.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- Bonk, C. J., & Friedman, J. L. (2019). Narrative frameworks and engaging learner motivation in elementary schooling: Pedagogical crossroads. *Journal of Educational Psychology*, 111(4), 621-638.
- Brown, T. E., & Campbell, H. R. (2022). Dialogic storytelling and the cultivation of autonomous judgment in young learners. *Curriculum Inquiry*, 52(3), 284-306.
- Bruner, J. (1996). *The culture of education*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. New York: Guilford Press.
- Harter, S. (1981). A new self-report scale of intrinsic versus extrinsic orientation in the classroom: Motivational and informational components. *Developmental Psychology*, 17(3), 300-312.
- Kline, K. A., & Wang, Y. (2024). Storytelling-based instructional models and their impact on intrinsic curiosity: A comprehensive meta-analysis. *Educational Research Review*, 43, 100592.
- Miller, J. P. (2019). *The holistic curriculum* (3rd ed.). Toronto: University of Toronto Press.
- Park, S. H., & Harris, M. (2020). Re-examining the Harter scale of intrinsic motivation in modernized primary classrooms. *Contemporary Educational Psychology*, 62, 101887.
- Pintrich, P. R., & Schunk, D. H. (2020). *Motivation in education: Theory, research, and applications* (5th ed.). Boston: Pearson.
- Reynolds, G., & Park, S. (2021). Spiritual and cultural storytelling in modern classrooms: Examining emotional engagement and social relatedness. *International Journal of Educational Research*, 108, 101788.

- Smith, M. L., & Lorenz, D. K. (2021). Narrative engagement, cognitive friction, and autonomous motivation in school children. *Learning and Instruction*, 75, 101490.